

شما گفتید، این، ژانری است که سخت بومی می‌شود و در طول فرآیند نگارش فیلمنامه مدام دنبال مسائل یا لحظه‌هایی بودیم که بتوانیم کاراکتر را بومی کنیم. این تلاش بعداً در ساخت هم توسط حسین و گروهش ادامه پیدا کرد. وقتی فیلم را دیدم، این احساس در من تقویت شد که همه چیز فیلم ایرانی است و کارآگاه فیلم هم کارآگاه ما است. فکر می‌کنم این اتفاق افتاد.

«مرد بازنده» - همان‌طور که اشاره شد - ترکیبی از ژانر هاست: یک هسته کارآگاهی دارد؛ حال و هوایی شبیه فیلم‌های نوآر دارد؛ جنبه‌هایی از فیلم مثل اشاره به فساد سازمان یافته شاید شبیه تریلرهای جاسوسی و سیاسی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باشد؛ و یک رگه ملودراما تیک خانوادگی محوری هم وجود دارد. نگران نبودید که این سُر خوردن بین گونه‌های مختلف به یکدستی کار ضرر به بزند؟

نه، به این علت که کاری که داریم انجام می‌دهیم چیز جدیدی نیست. یعنی تجربه‌ای نیست که ما برای اولین بار انجام داده باشیم. اساساً ترکیب ژانرها مدتی است در سینمای آمریکا دارد دنبال می‌شود. دیگر الان مطالعات ژانر بیشتر به سمت فیلم‌هایی رفته که فیلم‌های چندژانری یا بین‌ژانری هستند. یعنی ساب‌ژانرهای جدیدی ایجاد شده است. دسته‌بندی فیلم‌ها در قالب ژانر در دهه‌های گذشته خیلی راحت‌تر بود اما امروزه در منابع انگلیسی‌زبان در مقابل نام اکثر فیلم‌ها، چندژانر نوشته شده است. یک مسأله که به ما اطمینان انتخاب این مسیر را می‌داد این بود که در جریان روز سینمای جهان یا لاقل سینمای آمریکا این مسیر وجود دارد. علتش هم این است که هر ژانری مخاطبان خود را دارد و وقتی در یک ژانر محدود می‌شویم به نظرم داریم از بخشی از مخاطبان خود صرف‌نظر می‌کنیم. این راهم در مورد ایران می‌گویم و هم در مورد آمریکا. وقتی از ژانرهای متفاوتی بهره می‌گیریم، انگار داریم طیف وسیع‌تری از مخاطبان را می‌بینیم. مسأله دوم این است که این کار، پیشنهاد



هر ژانری مخاطبان خود را دارد و وقتی در یک ژانر محدود می‌شویم به نظرم داریم از بخشی از مخاطبان خود صرف‌نظر می‌کنیم

ما به سینمای ایران است. من خودم بسیار فیلمنامه‌نویسی ژانر را دوست دارم. به این معنا که دوست دارم در ژانرهای مورد علاقه‌ام - که کارآگاهی و پلیسی در این فهرست جزء بالاترین‌ها است - بنویسم. اما فضای تولید در سینمای ایران - در حدی که با تهیه‌کننده‌ها مراوده دارم و می‌شنوم - این است که نگرانی در مورد فروش فیلم ژانر وجود دارد.

اتفاقاً می‌خواستیم این بحث را مطرح کنیم که، با وجود توضیحات شما، کماکان به نظرم این رفت و برگشت میان ژانرهای مختلف کار کم‌خطری نبوده چون به قول شما چنین کاری در سینمای آمریکا جا افتاده اما در سینمای ایران که اساساً به یک یا دو ژانر محدود شده ما چرا فرق می‌کند. تمایل این است که فیلمنامه‌های اجتماعی یا کم‌دی کار کنیم. این کار سینمای ما را به لحاظ ژانری محدود می‌کند. پیشنهادی که در «مرد بازنده» داریم ترکیب ژانرهاست. این کار به تهیه‌کنندگان قوت قلب می‌دهد که این

